

بهترین سبک یادگیری برای دانشجویان رشته های مختلف

۱-نادیا بینا ۲-محبوبه السادات کدخدایی

۱-دانشجوی کارشناسی روان شناسی موسسه آموزش عالی نقش جهان

۲-استادیار گروه روان شناسی موسسه آموزش عالی نقش جهان

Nadia.Bina.۸۰@gmail.com

mahbobeh_kadkhodaie@yahoo.com

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر، تعیین بهترین سبک یادگیری برای دانشجویان رشته های مختلف است. منظور از سبک یادگیری، یک رفتار عادی برای کسب دانش است که از طریق مطالعه یا تجربه کسب می شود و یا شیوه ای است که فراگیران در یادگیری مطالب درسی به سایر شیوه ها ترجیح می دهند. پس از بررسی های انجام شده نتایج پژوهش، نشان داد، که بهترین سبک یادگیری برای دانشجویان رشته علوم پایه، جذب کننده؛ برای دانشجویان رشته های فنی مهندسی و پزشکی، همگرا؛ برای دانشجویان هنر، واگرا و برای دانشجویان رشته علوم انسانی، واگرا و انطباق یابنده است.

کلمات کلیدی: سبک یادگیری، رشته های دانشگاهی، نظریه یادگیری کلب

۱. مقدمه:

حجم دانش روز افزون، کهنه شدن سریع دانش و داده ها، لزوم جایگزینی داده های قدیمی با یافته ها و دانش نو و تحولات فناوری در زمینه آموزش، همگی لزوم پژوهش در مورد چگونگی یادگیری و استفاده از دانش حاصله در جهت سرعت بخشیدن و بهینه سازی کیفی آموزش را به شدت محسوس کرده است (امینی، علی پور، زند، ابراهیم زاده و فرج الهی، ۱۳۹۱).

پس بهتر است در اولین قدم به این سوال که یادگیری چیست پاسخ دهیم؛ به طور خلاصه، یادگیری این گونه تعریف شده است: تمام تغییرات نسبتاً پایدار در توان یا پتانسیل رفتارهایی که از تجربه ناشی می شوند، اما در اثر خستگی، رشح، داروها، جراحت یا بیماری نیستند (لفرانسوا، ترجمه سید محمدی، ۱۴۰۰). یادگیری فعالیتی شناختی و عاطفی است و افراد از لحاظ توانایی های ذهنی، روش های آموختن، سبک و سرعت یادگیری، آمادگی، علاقه و انگیزش نسبت به کسب دانش و انجام فعالیت های تحصیلی با هم تفاوت دارند. بنابراین، یکی از موضوعات مرتبط با تفاوت های فردی در یادگیری، سبک های یادگیری یادگیرندگان است که در فراگیری آن ها نقش مؤثری ایفا می کند (غیبی، عارفی و دانش، ۱۳۹۱).

بر حسب تعریف، سبک یادگیری یک رفتار عادی و متمایز برای کسب دانش، مهارت ها یا بازخورد ها است که از طریق مطالعه یا تجربه کسب می شود و یا شیوه ای است که فراگیران در یادگیری مطالب درسی خود به سایر شیوه ها ترجیح می دهند (پناهی، کاظمی و

دانشنامه علوم تربیتی

جلد ۱، شماره ۱، آذر ۱۴۰۲

رضایی، (۱۳۹۰). به همین سبب، بعضی از روانشناسان پرورشی، از جمله ولفلک (۲۰۰۴)، اصطلاح ترجیح یادگیری را بهتر از سبک یادگیری می‌داند و برای آن تعریف زیر را ارائه کرده است: راه‌های مورد پسند فرد برای مطالعه و یادگیری، مانند استفاده از تصاویر به جای کتاب، کار کردن با دیگران به عوض تنها کار کردن، یادگیری موقعیت‌های ساختارمند در مقابل موقعیت‌های غیر ساختارمند، و غیره (سیف، ۱۴۰۰). سبک یادگیری ترکیبی از ویژگی‌های شناختی، عاطفی و جسمانی است، که از تعامل نحوه ادراک و پاسخ‌دهی یادگیرنده به محیط شکل می‌گیرد (غیبی، عارفی و دانش، ۱۳۹۱). سبک‌های یادگیری یا ترجیحات یادگیری بسیار گوناگون‌اند. با این حال، می‌توان آن‌ها را به سه دسته شناختی، عاطفی و فیزیولوژیکی تقسیم کرد (سیف، ۱۴۰۰). سبک‌های یادگیری عاطفی در برگیرنده ویژگی‌های شخصیتی و هیجانی مانند پشتکار، به‌تنهایی یا با دیگران کار کردن و واکنش نسبت به تقویت‌های بیرونی است. سبک‌های یادگیری شناختی به روش‌هایی که فرد برای درک موضوع به کار می‌گیرد یا داده‌ها را به خاطر می‌سپارد و مسائل را حل می‌کند گفته می‌شود. سبک‌های یادگیری فیزیولوژیکی جنبه زیستی دارند و در برگیرنده واکنش فرد به محیط فیزیکی مؤثر بر یادگیری او هستند، مانند ترجیح مطالعه در شب یا روز و ترجیح مقدار نور در هنگام مطالعه و سایر ویژگی‌های محیطی (امینی و همکاران، ۱۳۹۱).

پژوهش‌های گوناگون بیانگر این موضوع است که سبک‌های یادگیری با فرایندهای خلاقیت، حل مسئله، تصمیم‌گیری، پیشرفت تحصیلی و روش‌های آموزشی و ارزشیابی تحصیلی رابطه دارند و نیز عامل‌های گوناگونی نظیر فرهنگ، جنسیت، سن، سبک‌های والدین، مدارس، گرایش تحصیلی، مشاغل گوناگون، ترتیب تولد و وضعیت اجتماعی - اقتصادی قادرند سبک‌ها را تحت تاثیر قرار دهند (سروقد و دیبانت، ۱۳۸۸). بنابراین با توجه به تفاوت‌های فردی و سبک یادگیری هر شخص برای او یک رشته تحصیلی و یک حرفه مناسب وجود دارد که با شناخت هرچه سریع‌تر آن می‌توان پیشرفت او را بهبود بخشیده و تسهیل کرد.

دیوید کلب در سال ۱۹۸۴ نوعی دسته‌بندی برای سبک‌های یادگیری مطرح کرده است؛ این دسته‌بندی بر اساس یک چرخه چهار مرحله‌ای، به نام چرخه یادگیری تجربه‌ای بنا نهاده شده که از نظریه یادگیری او استخراج گردیده است (سیف، ۱۴۰۰). در این نظریه، یادگیری در این چرخه چهار مرحله‌ای به وقوع می‌پیوندد: (۱) تجربه عینی، (۲) مشاهده و تفکر درباره آن تجربه (مشاهده تأملی)، (۳) تدوین فرضیه یا نوعی نظریه درباره آن (مفهوم‌سازی انتزاعی) و (۴) آزمون آن فرضیه (آزمایشگری فعال) (پناهی، کاظمی و رضایی، ۱۳۹۰). به باور کلب، یادگیرندگان در رویارویی با داده‌ها می‌بایست دو کار انجام دهند: ۱- داده‌ها را کسب و درک کنند و ۲- داده‌ها را پردازش و تبدیل کنند. کسب داده‌ها با استفاده از دو شیوه ترجیحی تجربه عینی و مفهوم‌سازی انتزاعی صورت می‌گیرد و پردازش داده‌ها نیز از راه دو شیوه مشاهده تأملی و آزمایشگری فعال انجام می‌گیرد. به ایده کلب در شیوه تجربه عینی، یادگیرنده بر احساسات خود متکی است، بیشتر از راه شهود یاد می‌گیرد، نسبت به امور انعطاف‌پذیری ندارد و با دیگران ارتباط برقرار می‌کند. افراد برخوردار از شیوه مشاهده تأملی، داده‌ها را از زوایای گوناگون بررسی کرده و از راه ادراک یاد می‌گیرند و این شیوه بر مشاهده دقیق پیش از داوری استوار است. در شیوه مفهوم‌سازی انتزاعی، یادگیری از راه تفکر منطقی صورت می‌گیرد و فرد در کارهای خود طرح‌ریزی نظامدار را به کار می‌بندد، و در نهایت در شیوه آزمایشگری فعال، فرد از راه انجام کارها موفق به کسب یادگیری می‌شود (امینی و همکاران، ۱۳۹۱). کلب و فرای با ترکیب چهار شیوه یادگیری فوق، چهار سبک یادگیری را نام‌گذاری کرده‌اند: (۱) سبک یادگیری همگرا، (۲) سبک یادگیری واگرا، (۳) سبک یادگیری جذب‌کننده و (۴) سبک یادگیری انطباق‌یابنده (سیف، ۱۴۰۰).

با توجه به این که به نظر می‌رسد این نظریه جامعیت بیشتری دارد و نسبت به انواع سبک‌های یادگیری، یک دسته‌بندی دقیق‌تر و جامع‌تری را ارائه می‌دهد؛ در این پژوهش از این دسته‌بندی استفاده کردیم.

- سبک یادگیری همگرا:

از ترکیب دو شیوه یادگیری مفهوم‌سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال، سبک یادگیری همگرا به وجود می‌آید. افراد دارای این سبک یادگیری، بیشترین توانایی را در به‌کارگیری عملی اندیشه‌ها و نظریه‌ها دارند و برای مسائل و تصمیم‌گیری بر اساس راه‌حلی که برای آن‌ها می‌یابند، عمل می‌کنند (پناهی، کاظمی و رضایی، ۱۳۹۰). در واقع این افراد از طریق تفکر و عمل یاد می‌گیرند. آن‌ها توانایی استفاده از راه حل

های قبلی در حل مسائل جدید را دارند؛ نقطه قوت این افراد مهارت در برنامه ریزی، حل مسئله و تصمیم گیری است (مساواتی آذر و حسینی نسب، ۱۳۹۵). در مواقعی که یک پاسخ درست موجود است (مثل آزمون های هوش) عملکرد خوبی دارند؛ آن ها می توانند استدلال فرضیه ای-قیاسی را در مورد مسائل خاص متمرکز سازند (سیف، ۱۴۰۰). برای آن ها تکالیف فنی بر مسائل اجتماعی ارجحیت دارد (پناهی، کاظمی و رضایی، ۱۳۹۰) و به روابط بین فردی علاقه ای نداشته و میل اند با اشیاء کار کنند تا رویارویی با انسان ها (امینی و همکاران، ۱۳۹۱)؛ در واقع می توان گفت نسبتا افرادی غیر عاطفی و غیر هیجانی هستند (غیبی، عارفی و دانش، ۱۳۹۱). این افراد در موقعیت های یادگیری رسمی، تجربه عقاید جدید، شبیه سازی و کار های عملی عملکرد بهتری دارند (پناهی، کاظمی و رضایی، ۱۳۹۰) و دیدی جزئی نگر دارند (خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴). آن ها به سودمندی، بارآوری و کارآمدی اهمیت می دهند، معمولا برای انجام امور عزم جدی دارند و ترجیح می دهند در تنهایی کار کنند؛ همچنین ممکن است به سرعت و بدون داشتن اطلاعات کافی، اقدام به عمل نمایند. معمولا در عمق موضوع غوطه ور می شوند و به سادگی دچار حواس پرتی نمی شوند (امینی خوئی و بنی طالبی دهکردی، ۱۴۰۰).

- سبک یادگیری واگرا:

از ترکیب شیوه های یادگیری تجربه عینی و مشاهده تأملی، سبک یادگیری واگرا حاصل می شود. واگرا ها از طریق احساس و مشاهده یاد می گیرند و ویژگی هایی مخالف همگرا ها دارند. این افراد در دیدن موقعیت ها از زوایای مختلف بر دیگران برتری دارند؛ به عنوان مثال می توانند اندیشه ها و نظر های بسیاری را در یک جلسه طوفان مغزی ارائه دهند (غیبی، عارفی و دانش، ۱۳۹۱). افراد دارای این سبک یادگیری، قدرت تخیل و احساس قوی دارند و به دنبال یافتن جواب های گوناگون اند همچنین آن ها به کار های گروهی و تعامل با مردم علاقه مند هستند (پناهی، کاظمی و رضایی، ۱۳۹۰). در واقع می توان گفت انسان هایی نوع دوست هستند و توانایی خلاقیت و نوآوری آن ها زیاد است (خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴). افراد واگرا نیاز دارند تا احساساتشان را بیان کنند، در زمان یادگیری به دنبال معانی شخصی برای اطلاعات و تعامل شخصی با معلم خود هستند، آن ها به هماهنگی و درک دیگران اهمیت می دهند و درباره مردم به وسیله طرز عملشان قضاوت می نمایند (امینی خوئی و بنی طالبی دهکردی، ۱۴۰۰). همچنین واگرا ها علایق فرهنگی وسیعی دارند (سیف، ۱۴۰۰).

- سبک یادگیری جذب کننده:

سبک یادگیری جذب کننده، از ترکیب شیوه های یادگیری مفهوم سازی انتزاعی و مشاهده تأملی حاصل می شود. جذب کننده ها از طریق مشاهده و تفکر یاد می گیرند و توانایی زیادی در درک و تولید نظریه ها دارند و در استدلال استقرایی و در ترکیب دیدگاه های مختلف و مشاهده آن ها در یک زمینه کلی بر دیگران برتری دارند، آن ها به تأمل درباره مفاهیم می پردازند، ضمن آن که به کاربرد عملی اندیشه ها و نظریه ها نیز علاقه ای ندارند (غیبی، عارفی و دانش، ۱۳۹۱). افراد واجد این سبک یادگیری در کسب و درک اطلاعات گسترده و تبدیل آن به صورتی خلاصه، دقیق و منطقی توانا هستند، این افراد بیشتر به مفاهیم انتزاعی علاقه مند هستند تا به مردم و به دلیل علاقه مند به بررسی نظام مند اغلب در بخش های پژوهشی و برنامه ریزی فعالیت می کنند (پناهی، کاظمی و رضایی، ۱۳۹۰). جذب کننده ها علاقه مند به بررسی اطلاعات و تحلیل جزئیات هستند، دارای هدف های واضح و روشن اند و از تجربیات قبلی به طور سازنده استفاده می نمایند. این افراد به این دلیل جذب کننده نامیده می شوند که در جذب دانش به مجموعه هایی یکپارچه بر دیگران برتری دارند (امینی خوئی و بنی طالبی دهکردی، ۱۴۰۰).

- سبک یادگیری انطباق یابنده:

از اجتماع دو شیوه یادگیری تجربه عینی و آزمایشگری فعال، سبک یادگیری انطباق یابنده حاصل می شود (سیف، ۱۴۰۰). افراد برخوردار از این سبک، حیطه های عمل را ترجیح می دهند و بیشتر به نظریات افراد توجه دارند تا نظریات خود؛ آنان از تجارب چالش انگیز لذت برده (امینی و همکاران، ۱۳۹۱) و نیز به آسانی از عهده تقاضا های محیطی خاص بر می آیند و به سرعت خود را با شرایط جدید انطباق داده و سازگار می کنند (خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴). افراد واجد این سبک، در یادگیری های رسمی ترجیح می دهند با افرادی کار کنند که به آن ها تکلیف بدهند، هدف برایشان تعیین کنند و در محیط کار کنند (پناهی، کاظمی رضایی، ۱۳۹۰). آن ها در مواقع بحرانی به خوبی ایفای وظیفه

دانشنامه علوم تربیتی

جلد ۱، شماره ۱، آذر ۱۴۰۲

می نمایند، به کارهای گروهی علاقه مندند و از بحث و گفت و گو لذت می برند (امینی خوئی و بنی طالبی دهکردی، ۱۴۰۰). انطباق یابنده ها خطر پذیرند، اغلب مسائل را به روش کوشش و خطا حل می کنند و در ارتباط با افراد، راحت اما تا حدی عجول اند (غیبی، عارفی و دانش، ۱۳۹۱).

با توجه به هدف پژوهش حاضر یعنی، بررسی بهترین سبک یادگیری برای دانشجویان رشته های مختلف؛ اکنون شایسته است که به توضیح مختصری درباره رشته های مختلف دانشگاهی بپردازیم.

رشته های دانشگاهی در قالب پنج گروه مختلف قابل بررسی است: (۱) علوم انسانی، (۲) علوم پایه، (۳) فنی مهندسی، (۴) پزشکی و (۵) هنر

- علوم انسانی:

رشته های دانشگاهی علوم انسانی بسیار متنوع و شامل: رشته های روانشناسی، مشاوره، حقوق، مدیریت و غیره است. همان طور که از عنوان این گروه مشخص است، مخاطب اصلی دانشجویان و کارکنان در این رشته ها انسان ها هستند، پس برای دانشجویان این رشته ها لازم و ضروری است که روابط اجتماعی خوب، قدرت رهبری (بخصوص برای دانشجویان رشته های مدیریت)، اعتماد به نفس و روحیه ای قوی داشته باشند تا بتوانند مشکلات و معضلاتی را که در زندگی انسان ها می بینند تحمل کنند. همچنین توان تجزیه و تحلیل آراء دیگران برای آن ها ضروری است (فریدون نژاد، ۱۳۹۲). علاوه بر این ها، خوب شنیدن و خوب صحبت کردن، صبر و حوصله، جسارت و قدرت استدلال، خلاقیت ذهنی و فن بیان خوب لازمه موفقیت در این رشته ها است (پوردستمالچی و ساداتیان، ۱۳۸۸).

- علوم پایه:

رشته های علوم پایه، در دانشگاه تنوع بسیار زیادی دارند. برای مثال: رشته های شیمی کاربردی، شیمی محض، زیست شناسی سلولی و مولکولی، زیست شناسی جانوری، ریاضیات و کاربرد ها، آمار و کاربرد ها، فیزیک و غیره. برخلاف رشته های مهندسی که با اتفاقات علمی سر و کار دارند رشته های علوم پایه به چگونگی پیش آمدهای علمی توجه می کنند و در واقع به دنبال یافتن دلایل و چرایی هر پدیده یا اتفاق هستند و به همین دلیل داوطلبانی که مستعد، باهوش و کنجکاو هستند، می توانند در این رشته ها موفق گردند. از طرفی این دانشجویان باید اشخاصی صبور و با حوصله باشند، از صرف وقت در حل مسائل دریغ نکنند و در کل، این رشته ها نیازمند افرادی است که از نظر ذهنی، آمادگی جذب ایده های جدید را داشته باشند و بتوانند الگوها و نظم را درک کرده و مسائل غیرمتعارف را حل کنند. به عبارت دیگر یک روحیه علمی، تفکر انتقادی و توانایی تجزیه و تحلیل داشته باشند (فریدون نژاد، ۱۳۹۲). در ضمن این دانشجویان لازم است افرادی منظم و مرتب بوده و بتوانند مطالب را در ذهن خویش به خوبی طبقه بندی کنند تا موفق گردند و در نهایت بهتر است به کارهای آزمایشگاهی نیز علاقه مند باشند (پوردستمالچی و ساداتیان، ۱۳۹۳).

- فنی مهندسی:

رشته های فنی مهندسی دامنه وسیعی را دربر می گیرند. مثلا: مهندسی برق، مهندسی عمران، مهندسی مکانیک، مهندسی مواد، مهندسی کامپیوتر و غیره. رشته های مهندسی بر مفاهیم فیزیکی و اصول ریاضیات استوار است و هرچه دانشجویان، بهتر این مفاهیم را درک کنند، می توانند مهندس بهتری باشند. دانشجویی که رشته مهندسی باید ذهنی خلاق، کنجکاو و تحلیل گر داشته باشد؛ همچنین به کار با وسایل و ابزار علاقه داشته باشد و از هوش، استعداد و قدرت تجسم خوبی نیز برخوردار باشد. فعالیت در رشته های مهندسی بسیار متنوع است و در نتیجه

هم دانشجوی علاقه مند به کارهای تئوریک می تواند جذب این رشته ها شود و در بخش های نظری و تئوری فعالیت کند و هم دانشجوی علاقه مند به طراحی و ساخت می تواند این رشته ها را انتخاب نماید. متخصصین این رشته ها در محیط کار خود با اقشار مختلف جامعه سر و کار دارند که باید بتوانند با همه این افراد ارتباط خوبی برقرار کنند (فریدون نژاد، ۱۳۹۲).

- پزشکی:

دانشجوی پزشکی باید عاشق انسان و انسانیت باشد تا بتواند در شرایط سخت و بحرانی حتی زمانی که خسته است یا آمادگی جسمی و روحی لازم را ندارد، به دیگران کمک کند. همچنین باید فردی منظم و دقیق باشد و بداند که نظم و سختگیری اساس کار رشته پزشکی است. یک پزشک باید علاوه بر دانش لازم، از آمادگی روحی و روانی، روابط عمومی خوب، قدرت تجزیه و تحلیل بالا، گذشت و ایثار، اعتماد به نفس بالا و سرعت عمل برخوردار باشد. همچنین یک پزشک باید بسیار با هوش و نکته سنج باشد و از مقابل مسائل هرچند کوچک، به سادگی نگذرد. یک دانشجوی پزشکی باید آمادگی مطالعه، تحقیق و پژوهش را در حد بسیار گسترده و فراگیر داشته باشد زیرا دوره پزشکی عمومی نسبت به رشته های دیگر، طولانی تر است و در طی این مدت دانشجو باید درس های متعدد، متنوع، حجیم و نسبتاً پیچیده و دشواری را مطالعه کند (فریدون نژاد، ۱۳۹۲). رشته پزشکی، صبر و حوصله بسیار بالایی می خواهد زیرا یک بیمار که شرایط حساسی دارد، بسیاری از حرف ها یا حرکاتش در اختیار خودش نیست و یک پزشک باید در حد امکان با صبر و حوصله زیاد به او آرامش و قوت قلب بدهد (پوردستمالچی و ساداتیان، ۱۳۹۳).

هنر:

رشته های هنر گستره وسیعی را در بر می گیرند. برای مثال: رشته های ارتباط تصویری، صنایع دستی، تئاتر، نقاشی، مجسمه سازی و غیره. بزرگترین سرمایه هر فرد برای ورود به این رشته ها عشق و علاقه است؛ همچنین باید پایمردی و حوصله لازم را برای آموختن داشت و با فرهنگ، سنت و ادبیات کهن و نو آشنا بود. دانشجویان این رشته ها باید ویژگی های جسمی و روحی خاصی داشته باشند تا بتوانند موفق گردند؛ مثلاً: خلاقیت، نوآوری، اندیشه ای پویا و حسی قوی. دانشجویان لازم است انعطاف پذیر باشند و از مرز بایدها و نبایدها گذر کنند زیرا یک هنرمند نمی تواند در چهارچوبی مشخص و معین محدود گردد. این دانشجویان باید خوب ببینند و نگاهی عمیق نسبت به هر چیزی که در اطراف وجود دارد داشته باشند؛ به علاوه باید زمان زیادی را به تمرین و کار مداوم اختصاص دهند و از روابط اجتماعی خوبی برخوردار باشند تا بتوانند با بازار کار ارتباط برقرار کنند (فریدون نژاد، ۱۳۹۲).

۲. بحث و نتیجه گیری:

در این مقاله به بحث پیرامون بهترین سبک یادگیری برای دانشجویان رشته های مختلف پرداختیم و متوجه شدیم که با توجه به ویژگی های هر رشته می توان از بین سبک های یادگیری همگرا، واگرا، جذب کننده و انطباق یابنده مطلوب ترین آن ها را برای هر رشته تعیین کرد.

همان طور که گفته شد رشته های علوم پایه به چگونگی پیش آمدهای علمی توجه می کنند و به دنبال یافتن دلایل پدیده ها هستند، دانشجویان این رشته ها باید از قدرت تجزیه و تحلیل خوبی برخوردار باشند و دارای ذهنی آماده و منظم باشند تا به خوبی نتایج به دست آمده را درک و سازماندهی کنند؛ بنابراین می توان گفت که بهترین سبک یادگیری برای این رشته ها، سبک یادگیری جذب کننده است؛ زیرا جذب کننده ها توانایی خوبی در درک و تولید نظریه ها دارند ضمن اینکه به کاربرد عملی این نظریه ها تمایلی نداشته و قدرت خوبی در تحلیل جزئیات و خلاصه کردن آن ها دارند و بیشتر مایل به کار با مفاهیم انتزاعی هستند تا کار با مردم.

دانشنامه علوم تربیتی

جلد ۱، شماره ۱، آذر ۱۴۰۲

رشته های فنی مهندسی، دانشجویانی کنجکاو، با ذهنی تحلیل گر و قدرت تجسم قوی می خواهد که به کار با وسایل و ابزار علاقه داشته باشند بنابراین می توان گفت بهترین سبک یادگیری برای دانشجویان رشته های فنی مهندسی، سبک یادگیری همگرا است؛ زیرا همگرا ها بیشترین توانایی را در به کارگیری عملی اندیشه ها و نظریه ها دارند و به کارآمدی و سودمندی اهمیت می دهند و برای آن ها تکالیف فنی بر مسائل اجتماعی ارجحیت دارد.

برای پزشک ها نیز با توجه به قدرت تجزیه و تحلیل، سرعت عمل و نکته سنجی ای که لازم است داشته باشند می توان گفت بهترین سبک یادگیری همان سبک همگرا است؛ زیرا در این سبک افراد به خوبی می توانند تمرکز خود را حفظ کرده و با قدرت بالای تجزیه و تحلیل و جرئی نگری ای که دارند تصمیم گیری کنند و مسائل را حل کنند و در این حین تحت تأثیر شرایط بد بیماران قرار نگیرند زیرا این افراد معمولاً انسان هایی غیر عاطفی و غیر هیجانی هستند.

هنرمندان با توجه به ویژگی هایی که دارند، یعنی خلاقیت، حسی قوی و لزوم آشنایی با فرهنگ، سنت و ادبیات، می توان گفت بهترین سبک یادگیری آن ها سبک یادگیری واگرا است. زیرا واگرا ها، از قدرت تخیل و احساس قوی برخوردارند که احتیاج به بیان این احساسات دارند و هنر می تواند زمینه خوبی را برای بروز این احساسات فراهم کند، علاوه بر این که واگرا ها علایق فرهنگی زیادی دارند که دقیقاً متناسب با رشته های هنری است.

برای انتخاب بهترین سبک یادگیری دانشجویان رشته های علوم انسانی لازم است کمی بیشتر توضیح دهیم. دانشجویان رشته های علوم انسانی از این نظر که لازم است روابط اجتماعی خوب، قدرت استدلال و توان تجزیه و تحلیل آراء دیگران را داشته باشند می توان گفت بهترین سبک یادگیری آن ها، سبک یادگیری واگرا است زیرا واگرا ها هم افرادی هستند که علاقه مند به تعامل با مردم اند و به خوبی می توانند موقعیت ها را از زوایای مختلف ببینند و بررسی کنند. ولی از این نظر که بعضی از رشته های علوم انسانی نیازمند افرادی با قدرت رهبری بالا، اعتماد به نفس، جسارت و فن بیان خوب است، می توان گفت بهترین سبک یادگیری برای آن ها، سبک یادگیری انطباق یابنده است؛ زیرا انطباق یابنده ها نیز افرادی هستند که از تجارب چالش انگیز لذت می برند، خود را به خوبی با شرایط جدید سازگار می کنند، در مواقع بحرانی به خوبی ایفای وظیفه می کنند و از بحث و گفت و گو مسرور می شوند. پس به طور کلی می توان بیان کرد که هر دو سبک یادگیری واگرا و انطباق یابنده برای رشته های علوم انسانی مناسب و مطلوب است ولی برای بعضی رشته ها، مثل رشته های مدیریت، سبک یادگیری انطباق یابنده مناسب تر است و برای بعضی رشته ها مثل مشاوره، سبک یادگیری واگرا بهتر است.

در آخر باید بگوییم که درست است که برای دانشجویان هر رشته می توان بهترین سبک یادگیری را تعیین کرد اما نباید فراموش کنیم که هر کس با هر سبک یادگیری ای که دارد بهتر است از نکات مثبت دیگر سبک ها غافل نشده و آن ها را نیز کسب کند.

۳. مراجع:

[۱]. امینی خوئی، فیروز و بنی طالبی دهکردی، بهاره؛ بررسی ارتباط بین تیپ های شخصیتی و سبک های یادگیری در دانشجویان رشته حسابداری با استفاده از نظریه سبک یادگیری کلب، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۳۸، تابستان ۱۴۰۰، صفحات ۲۴۱-۲۵۳

[۲]. امینی، مرضیه؛ علی پور، احمد؛ زند، بهمن و همکاران؛ رابطه سبک های یادگیری با غلبه طرفی مغز دانشجویان به منظور استفاده در طراحی های آموزشی، فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱، صفحات ۱۵۲-۱۳۷

دانشنامه علوم تربیتی

جلد ۱، شماره ۱، آذر ۱۴۰۲

- [۳]. پناهی، روح الله؛ کاظمی، سلطانعلی و رضایی، آذرمیدخت؛ رابطه سبک های یادگیری با پیشرفت تحصیلی: نقش جنس و رشته تحصیلی، روان شناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۹۰، صفحات ۱۸۹-۱۹۶
- [۴]. پوردستمالچی، محمدرضا و ساداتیان، محسن؛ راهنمای آشنایی با رشته های دانشگاهی گروه آزمایشی علوم انسانی، انتشارات ما و شما، تهران، ۱۳۸۸
- [۵]. پوردستمالچی، محمدرضا و ساداتیان، محسن؛ راهنمای آشنایی با رشته های دانشگاهی گروه آزمایشی علوم تجربی، انتشارات ما و شما، تهران، ۱۳۹۳
- [۶]. خاکسار بلداجی، محمد علی؛ رابطه سبک های یادگیری، خود کارآمد پنداری و رشته تحصیلی در دانش آموزان متوسطه نظری، فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۴، صفحات ۱۰۷-۱۳۱
- [۷]. سروقد، سیروس و دیانت، عارفه؛ مقایسه سبک های یادگیری و شیوه های حل مسئله دانشجویان دختر و پسر گرایش های علوم انسانی، علوم پایه و فنی- مهندسی، فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۸، صفحات ۷۷-۹۲
- [۸]. سیف، علی اکبر؛ روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش، انتشارات دوران، تهران، ۱۴۰۰
- [۹]. غیبی، معصومه؛ عارفی، محبوبه و دانش، عصمت؛ رابطه سبک های یادگیری و خودکارآمدی دانشجویان گروه های تحصیلی، فصلنامه روان شناسی کاربردی، شماره ۲۱(۱)، بهار ۱۳۹۱، صفحات ۵۳-۶۹
- [۱۰]. فریدون نژاد، رضا؛ کتاب جامع آشنایی با رشته های مختلف دانشگاهی و زمینه های شغلی، پایگاه تک بوک. www.takbook.com، ۱۳۹۲
- [۱۱]. لفرانسوا، گی آر؛ نظریه های یادگیری انسان. ترجمه: یحیی سید محمدی، انتشارات روان، تهران، ۱۴۰۰
- [۱۲]. مساواتی آذر، پریسا و حسینی نسب، داود؛ مقایسه سبک های یادگیری و منبع کنترل در گروه های تحصیلی دانشجویان، فصلنامه روان شناسی کاربردی، شماره ۲(۳۸)، تابستان ۱۳۹۵، صفحات ۲۲۵-۲۴۱